



اخیرا اظهاراتی مبنی تغییر نظام ریاستی به پارلمانی که به حذف انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور توسط مردم ختم می‌شود و یا نهاد دیگری در کنار مجلس شورای اسلامی به پناه ضعف عملکرد نهاد قانونگذاری در رسیدگی به مسائل کلان و ملی کشور مطرح می‌شود که در نگاه نخست، این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که مگر هدف از

ادامه واکنش‌ها به پیشنهاد بهزاد نبوی

# مصطفی تاجزاده:ارتباطمان با اصولگرایان قطع است

**مه‌سالر آبادی**–مصطفی تاجزاده شخصیتی تأثیر گذار و شناخته‌شده‌است.او هم این روزها از لزوم تغییر می‌گوید ولازمه‌این تغییر را به رسمیت شناختن همه جناح‌های سیاسی و همه عقاید حاضر در ایران می‌داند.تاجزاده در گفت و گو با «جامعه‌فردا» می‌گوید که اگر هر فرد یا حزبی با هر عقیده‌ای، به تمامیت ارضی و استقلال ایران عقیده داشته باشد و از راه‌های خشونت‌آمیز پرهیز کند،می‌توان در طرح صلح دوفاکتو پیشنهادهای بهزاد نبوی در نظر گرفت.او در این مصاحبه

**اخیرا آقای بهزاد نبودی پیشنهادی با عنوان صلح دوفاکتو مطرح کرده‌اند، با توجه به شخصیت و تأثیر گذاری ایشان، ارزیابی شما از این پیشنهاد چیست؟**

با مضمون این پیشنهاد موافق هستم. اما تصور نمی‌کنم یا این واژه موافقت چندانی است. آن هم صلح دوفاکتو به این معنا که درست‌است باید یک‌دیگر را قبول نداریم، اما باید یکدیگر را بپذیریم. می‌دانید که این واژه دوفاکتو متعلق به روابط بین‌الملل است. روابط بین دو کشور که خیلی با یکدیگر اختلاف ندارند، روابطی عادل است. منتها مناسبت‌ها شناسایی بر مبنای دوفاکتو یعنی این که اصل ماجرا را به رسمیت نمی‌شناسیم، اما بالاچار باید به نوعی تحمل کنیم. بنابراین به نظرم از این واژه خیلی استقبال نشود. اما از مضمون پیشنهاد که اصل اصلاح‌طلبان که کاملاً موافق هستند اصولگراها نیز به جز بخش‌های افراطی و اقتدار گرا، با این مسئله موافقت. باید یک چیز را برای جامعه توضیح دهیم؛ آن هم این که عرصه سیاست امروز جامعه مافقت دو طیف اصولگرا و اصلاح‌طلب نیستند. درست است که این دو در قدرت هستند و بخش سوم جامعه حضور ندارد، اما این بخش به طور جدی در جامعه وجود دارد، دو فعال است و حرف و مطالبه و نظر دارد. هر طرحی که ملی نام بگیرد، باید آن‌ها را هم در بر بگیرد. اگر نه چنین طرحی درون حاکمیتی نامیده می‌شود که خیلی هم معلوم نیست بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه ما باشد. آشتی ملی نیز به همین علت مطرح شد که ما نیاز داریم این طرح باید تمام کسانی که در این جامعه هستند و نظر و پایگاه دارند را به نوعی دربر بگیرد و باید بتوانیم آن‌ها را به این مجموعه بیاوریم. به تنها به صرف اصلاح‌طلب و اصولگرایخواهیم رفتار کنیم.

**منظور شما از طیف سوم مشخصاً چه طیفی است؟**

اگر بخواهم آماری بگویم کسانی که نه به آقای روحانی رأی دادن و نه به آقای رئیسی! این‌ها ۱۸ میلیون هستند. ۲۴ میلیون به آقای روحانی رأی دادند، ۱۶ میلیون به آقای رئیسی رأی دادند و ۱۸ و میلیون همس رأی ندادند. بنابراین واقعیت آن است که طرفداران آقای روحانی اکثریت نسبی هستند و اکثریت مطلق نیستند. یعنی ۲۴ میلیون از ۵۸ تا میلیون.

**که البته به نظر می‌آید همین تعداد هم شکننده باشد؟**

شکندنده نیست. ۲۴ میلیون عدد خوبی است، اما اکثریت مطلق نیست. به این معنا که ۵۰ درصد به علاوه یک نیست. یعنی اگر هر دو ایرانی یک ایرانی به آقای روحانی رأی می‌داد، آقای ایشان باید بین ۲۸ تا ۲۹ میلیون می‌شد.

**آقای باهنر در مصاحبه اخیر خود از لزوم وجود دو مجلس سخن گفته بود. فکر می‌کنید این دو پیشنهاد و طرح با همدیگر ارتباطی دارند؟**

من در جریان مصاحبه آقای باهنر نیستم، اما مسلم آن است که همه می‌دانند وضع کنونی مطلوب نیست و بهبوداوضاع، مستلزم تغییرات است. این مسئله راهم به زبان خوشان عنوان می‌کنند. حتی کسانی که باصل نظام مشکل دارند هم می‌گویند که باید اوضاع تغییر کند تا به ثبات سیاسی دست پیدا کنیم، کسانی که به نظام باور دارند می‌گویند در همین صورت می‌توانیم اصلاحات لازم را انجام دهیم و حتی اصولگرایان هم به سه تغییر معتقدند و به سه همین جهت هم به دنبال حذف انتخابات ریاست‌جمهوری و نظام پارلمانی رفتند. بنابراین همه دنبال یک نوع تغییرند. زیرا فکر می‌کنند به بن‌بست رسیدهایم.

اما به نظر من پیش از صحبت درباره راه‌حل‌ها، باید در رابطه با واقعیات جامعه خودمان صحبت کنیم. به سبب راهم به زبان خوشان عنوان می‌کنند. حتی کسانی که باصل نظام مشکل دارند هم می‌گویند که باید اوضاع تغییر کند تا به ثبات سیاسی دست پیدا کنیم، کسانی که به نظام باور دارند می‌گویند در همین صورت می‌توانیم اصلاحات لازم را انجام دهیم و حتی اصولگرایان هم به سه تغییر معتقدند و به سه همین جهت هم به دنبال حذف انتخابات ریاست‌جمهوری و نظام پارلمانی رفتند. بنابراین همه دنبال یک نوع تغییرند. زیرا فکر می‌کنند به بن‌بست رسیدهایم.

اما به نظر من پیش از صحبت درباره راه‌حل‌ها، باید در رابطه با واقعیات جامعه خودمان صحبت کنیم. به سبب راهم به زبان خوشان عنوان می‌کنند. حتی کسانی که باصل نظام مشکل دارند هم می‌گویند که باید اوضاع تغییر کند تا به ثبات سیاسی دست پیدا کنیم، کسانی که به نظام باور دارند می‌گویند در همین صورت می‌توانیم اصلاحات لازم را انجام دهیم و حتی اصولگرایان هم به سه تغییر معتقدند و به سه همین جهت هم به دنبال حذف انتخابات ریاست‌جمهوری و نظام پارلمانی رفتند. بنابراین همه دنبال یک نوع تغییرند. زیرا فکر می‌کنند به بن‌بست رسیدهایم.

## وقتی صورت‌مسئله حذف و یا نادیده گرفته می‌شود

تشکیل نهادهای انتخابی مورد اشاره و مستقر در قانون اساسی چه بوده که برخی امروز به این نتیجه رسیده‌اند که به دلیل فقدان کارکرد این نهادهای منتخب باید آنها تغییر شکل دهند و یا نهاد دیگری تشکیل شود تا اهداف مذکور تحقق پیدا کند. در واقع پیشنهاد دهندگان با نادیده‌انگاشتن صورت مسئله، ضعف کارکرد هر یک از این نهادها این تصور را دارند که با این راهکارها می‌توان چاره‌دردی را کرد که علتش یا انکار و یا اینکه نادیده گرفته می‌شود. اول؛ مجلس شورای اسلامی، شوراهای شهر و روستا و نیز ریاست‌جمهوری و خیرگان رهبری چهار نهاد انتخابی هستند که قرار بود در یک انتخابات آزاد و دموکراتیک تشکیل شوند. بدیهی است که در صورت برگزاری انتخاباتی که همه سلاطین حق

انتخاب شدن و انتخاب کردن را نداشته باشند و مردم مدام به انتخابات‌های ناگزیر از ترس از دست دادن حداقل هاتن دهند، خروجی آن نهادانتخابی برآمده از همه سلاطین و دیدگاه‌ها و برآیند ظرفیت‌های موجود کشور نخواهد بود و طبیعی است که از توان حداکثری برای حل مشکلات کشور نیز برخوردار نباشد. ریشه این درد نادیده گرفتن این حق مردم است و در مان آن نیز ناگفته پیداست:دوم؛نگاهی به شرح وظایف و اختیارات هر یک از نهادهای منتخب کشور و مقایسه این جایگاه با نهادهای انتصابی سوی دیگر ماجراست. کافی است نگاهی به شرح وظایف و توزیع اختیارات هر یک از دستگاه‌ها بیندازیم تا ابعاد موضوع نمایان شود. به عنوان مثال مگر چند درصد از بودجه فرهنگی کشور به وزارت ارشاد

تعلق می‌گیرد؟ و یا اینکه این وزارتخانه تا چه حد در کنار وظایف تعریف شده از اختیارات لازم برای توسعه فرهنگی کشور برخوردار است و باید در قبال آن پاسخگو باشد و نقش دیگر دستگاه‌های فرهنگی که مستقیم از بودجه فرهنگی کشور از تراق می‌کنند چیست؟ این وضعیت در بیشتر حوزه‌های مرتبط با دولت مصداق دارد.سوم؛ محدود کردن مشارکت سیاسی مردم و دخالت آنان در تعیین سرنوشت خود به انتخابات و نادیده گرفتن این مشارکت در سطحی دیگر غیر از انتخابات، اصلی‌ترین دلیل بر ضعف کارآیی نهادهای انتخابی کشور است. برای برطرف کردن این ضعف، چاره‌ای جز پذیرش الزامات تشکیل و قدرتمندسازی جامعه مدنی با همه ظرفیت‌های آن نداریم. خلاًاحزاب قدرتمند و میزان اثرگذاری آنان در ساختار حقیقی و حقوقی کشور در کنار تشکیل نهادهای منتخب دموکراتیک بخش دیگر صورت مسئله است که عموماً نادیده



افتاده، هیچ گفت‌وگویی در آنجا صورت نمی‌گیرد، چرا که مهم‌ترین چهره‌های سیاسی ما خارج از مجلس هستند، اصلاح‌طلبان را که درصالحیت می‌کنند و اصولگراها هم رأی نمی‌آورند، واقعیت این است که مردم اصولگراها را پس می‌زنند و ما را هم حکومت پس می‌زند. بنابراین این وضعیت و خیرگان گفت‌وگویی صورت نمی‌گیرد، مجمع تشخیص هم می‌توانست این نقش را ایفا کند که متأسفانه تک‌کیب تنها برای یک طیف است. بنابراین راه عملی این است که در بیرون از مجلس شجاعت به خرج داده

شده‌است که خیلی از عراقی‌ها می‌گویند اگر صدام بود بهتر بوداصل سوم هم این است که به روش خشونت‌آمیز باور نداشته باشد و به مبارزات مسالمت‌آمیز معتقد باشد.اگر این سه‌اصل پذیرفته شود به نظر می‌شود یک گفت‌وگوی ملی، صلح دوفاکتو، صلح ملی و آشتی ملی با هر واژه دیگری را پیش برد. افرادی که این سه اصل را قبول دارند، می‌توانند دور هم جمع شوند.

**این سخنان خیلی خوب و آرمانی است اما خیلی دور از ذهن است، راهکار عملی شما در این بین چیست؟**

یکی از راهکارها تبیین آرمان است، ما باید آرمان را مشخص کنیم، ما می‌شود ایران برای همه ایرانیان! چنین چیزی در ۱۰ سال آینده به دست نمی‌آید و شاید چندین دهه طول بکشد تا این برسیم، پروسه‌ای بسیار درازمدت است، اما نمی‌توان از این آرمان گذشت، هر کسی بگوید که چه می‌خواهید از دو طرف قرار می‌دهند و تجزیه‌طلب هستند، بقیه دسته‌ها و واقعیاتی هستند که حتی اگر آن‌ها را قبول نداریم باید آنها را به رسمیت بشناسیم. این دو طرف قرار می‌دهند و تجزیه‌طلب هستند، بقیه دسته‌ها و واقعیاتی هستند که حتی اگر آن‌ها را قبول نداریم باید آنها را به رسمیت بشناسیم.

ممکن است بخش‌هایی از اصلاح‌طلبان این گروه‌ها را به رسمیت شناسند. زیرا اصلاح‌طلبان هم یکپارچه نیستند، اما باید بشناسند، ولی اگر از دو طرف قرار می‌دهند و تجزیه‌طلب نیستند، می‌توانیم وقتی بحران به خودمان رسید بگوییم حذف‌جواب نمی‌دهد و بعد خودمان دیگران را حذف کنیم، پس فرق ما با آقای احمدی‌نژاد چیست؟ ما می‌گوییم که اگر قرار است داد‌گاه علنی باشد باید برای همه باشد، چرا مثلا در برابر تقاضای داد‌گاه علنی بقیه ساکت هستند و فقط برای بقیایی فریاد می‌زند؟ این معتقد است که قوهقضائیه درست کار نمی‌کند، نمی‌تواند مدعی باشد که در دوران من ترضوی خوب بود و اکنون اوضاع بد است. این دست رفتارها، معیار و استانداردِ دو گانه و غیراخلاقی است. جناح هم حرف من این است که تمام نهادهای قدرت، همه‌جا، شخصیت‌ها و احزاب یک سؤال را باید بپند

**این خیلی زیباست، اما در حد یک آرمان است، راهکار عملی چنین چیزی چیست؟**
بله آرمان است و ما می‌توانیم جهت‌گیری‌مان اینچنین است، اما مشخص است که جریان سیاسی مناسب با شرایطِ داخل می‌دهد. مشخص است که گفت‌وگو از کسانی شروع می‌شود که تشکیلات دارند، شناخته‌شده‌اند و رسمیت دارند. باید از این قسمت‌شروع کرد و طبیعتاً شروع آن گفت‌وگوی بین اصلاح‌طلب و اصولگرا است اما غایت و هدف ما صرفاً این نیست. فرض کنید اصلاح‌طلب و اصولگرا تفاهم کردند، بعد معتقد مشکلاتی مانند تکثر ملت به قدری جدی و واقعی است که شما جز با مشارکت ملی نمی‌توانید به حل مشکل برسید.

**گام عملی برای تحقق این غایت چیست؟**
گام عملی این است که اصولگرایان و اصلاح‌طلبان باید شروع به صحبت با یکدیگر کنند. پارلمان برای همین است که دبیر کل‌های احزاب قدرتمند امروز افراد می‌آیند و فرسدا نمی‌دانیم چه خواهند گفت‌وگو کنند. به دلیل این که مجلس از خاصیت

خود هستند یا برگشته‌اند؟ البته من قبول ندارم که ایشان از اصول و وعده‌هایش برگشته باشد زیرا می‌داند که اگر برگردد شکست می‌خورد. اما به هر حال در جامعه مزمره‌هایی مبنی بر گرایش ایشان به طیف اصولگرا شنیده می‌شود، اما اگر حزب بود این اتفاق نمی‌افتاد. ما روی شورای شهر واقعا حساس هستیم و علت آن کاملاً روشن است. زیرا ما ۴ سال دیگر از مردم رأی می‌خواهیم، اگر ما نتوانیم کارنامه روشنی ارائه کنیم مردم به ما رأی نمی‌دهند. بنابراین می‌توان یک کمیته متشکل از افراد اصلاح‌طلب، اصولگرا و همان جریان سومی که نه اصولگرا و نه اصلاح‌طلب هستند در قدرت هم نیستند تشکیل داد. خلاصه‌عرض من این است که آرمان ما ایران برای همه ایرانیان است و هر کسی که آن سه اصل را قبول داشته باشد با او گفت‌وگو، تفاهم و مذاکره می‌کنیم. گام عملی هم می‌تواند این باشد که روی چند پروژه که هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان روی آن توافق دارند، کار کنیم. به نظر من اگر روی این موضوعات تمرکز داشته باشیم، خیلی از افراد جریان سوم به فعالیت‌های حزبی تمایل پیدا می‌کنند. به هر صورت آنها هم دلشان می‌خواهد با فساد مبارزه‌جدی و مسئله‌فقر به طور جدی ریشه‌کن شود.

**فکر می‌کنید برای این که این گام عملی برداشته شود، چه کسانی باید پیش‌قدم شوند؟**

اصلاح‌طلبان زیر آن طرف پیش‌قدم نخواهد شد. فکر می‌کنید چطور باید این اتفاق بیفتد؟ چه گام عملی‌ای می‌توان برداشت؟
من نظر من بهترین واسطه برای این کار کسانی هستند که دو طرف آن‌ها را قبول دارند و من نمی‌دانم چرا در این زمینه جدیت لازم را ندارند، نمی‌دانم نگرانی از کجاست، مثلاً آقای ناطق نوری خیلی می‌تواند نقش ایفا کند. تعدادی از اصلاح‌طلبان، اصولگرایسان و چهره‌های ملی که اصولگرا و اصلاح‌طلب نیستند را دعوت کندو صحبت کنیم که با فساد چه کاری بایدانجام دهیم. ایشان چند جلسه بیایند و جلسه‌های بعدی اگر هم بنیامند همان افراد جلسه می‌گذارند و ادامه می‌دهند.

**آقای سید حسن خمینی هم می‌توانند این کار را انجام دهند؟**

خیر، اگر ایشان بگویند احتمالاً بخشی از اصولگراها نمی‌آیند. اما آقای ناطق بگویند جز جبهه‌یابداری به نظر من بقیه حاضر باشند بیایند. یعنی چهره‌هایی که هم از نظر شخصیتی موقعیتی داشته باشند که اگر دعوت شوند به آن‌ها برخورد و مثلاً بگویند که ما از ایشان بزرگ‌تر هستیم یا غیره. آقای خاتمی در این جامعه خیلی محبوب‌تر از آقای ناطق هستند، اما آقای خاتمی نمی‌تواند این کار را بکند زیرا بسیاری از اصولگراها نمی‌آیند. به نظر من این تیبب‌ها مانند آقای ناطق نوری که خیلی هم تعدادشان زیاد نیست، می‌توانند مجموعه تشکیل دهند و عجیب است، نمی‌دانم علت این که آقای ناطق این کار را نمی‌کنند چیست؟

**شاید به فکرشان نرسیده، بهتر نیست پیشنهاد دهید؟**
ممکن است از طریق این مصاحبه به فکرشان

راهبرد

گرفته می‌شود. احزاب قدرتمند هم در مقطع پیش و پس‌انتخابات، هم بازوی قدرتمند نهادهای انتخابی هستند و هم نظاره‌گر و پرسشگر و هم به‌عنوان تشکیلاتی سازمان‌یافته در سراسر کشور پیگیر مطالبات منطقه‌ای در سطحی ملی خواهند بود این خود، بخش مهمی از فقدان مشارکت مردم را جبران خواهد کرد.اگر امروز مجلس شورای اسلامی بیش از آنکه به مسائل ملی کشور بپردازد، درگیر مسائل منطقه‌ای است، این ضعف باید با تقویت و پذیرش جامعه مدنی که امکان مشارکت مردم را در همه سطوح فراهم می‌کند برطرف شود و در کنار تقویت جایگاه شوراهای شهر می‌تواند جایگاه و توجه نمایندگان را از سطح منطقه‌ای به سطحی ملی ارتقا دهد. تشکیل هر نهادی در کنار نهادهای انتخابی بدون توجه به دلایل اصلی ضعف عملکرد آنها چیزی جز یک کردن صورت مسئله و نادیده گرفتن الزامات توسعه‌یافتگی است.

گزارش

دوشنبه ۱۳۹۶

## سیاست فردا

مچا فردا

۱۰ ۳ ۱۰



عکس: روشن نوروزی

اجامعه فردا

برسد. تصور می‌کنم مسئله پیچیده‌تر از این است و ملاحظاتی دیگری دارند که چنین کاری انجام نده‌اند، اما این کار باید بشود. درباره دو سه موضوع مشخص مانند تهدیدات امریکا، فساد و غیره باید کمیته‌های متفاوت تشکیل شود. رسانه‌ها هم می‌توانند این بحث را باز کنند، اما متأسفانه ارتباطمان با یکدیگر قطع است. اصولگرایان باید بفهمند من چطور فکر می‌کنم. من بارها به صراحت اعلام کرده‌ام و حتی در بازجویی‌هایم هم گفته‌ام که نه تنها می‌توانید ما را حذف کنید و نه ما، زیرا از مشروطه تاکنون ما هم مشروطه‌خواه داریم و هم مشروطه‌خواه و این دو نمی‌توانند یکدیگر را حذف کنند. ما یک تشکیلات کوچک نیستیم که مرکزیت ما را بزندان از ما برویم، ما یکسک جریان اجتماعی هستیم. آی‌می‌توان هرمندان، دانشگاه، کارمندان دولت، آموزش‌وپرورش، معلمان و فرهنگیان را نادیده گرفت؟ اینها پایگاه اصلاحات هستند، حتی در حوزه علمیه هم هستند مرجعی که بین ما و اصولگراها به ما رأی می‌دهند و صدای آن را در نمی‌آورند زیرا حداقل معتقدند خطر ما برای این کشور کمتر از آن‌هاست، یعنی حداقلی مخاطب به آن خدمات شما بیشتر از آنهاست. بنابراین اینها پایگاه دوستان می‌گوییم که شما نتوانستید ما را حذف کنید اما گفتید که اصلاح‌طلبان از بین رفتند ما گفتیم مُرده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح‌طلبان هستند. به این ترتیب حال که بنگونه شده از این توهم دست بردارند. کار به سواقی، مژده‌ان است که نامش بگریزد اما نباید فریبید. اکنون حتی یک نفر نمی‌گوید که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی ندارند و این حرف را پس گرفته‌اند و چنین ادعایی ندارند و از طرف دیگری می‌گویند که مردم کوفی شدند، یعنی اصلاح‌طلبان اکثریت هستند، کوفی شدن مردم به مثابه این است که مردم بااصلاح